

بسمه تعالی

برگه کلامیه

کتاب معجز بیان گلستان که در واقع اعجاز فصاحت و سند غیر قابل نکول بلاغت استاد سخن سعدی است ، مشحون از فواید لغوی و دستوری و تاریخی و جغرافیائی میباشد که قسمتی از آنها بر اثر مرور زمان و تعبیرات و توضیحات نادرست شراح و خوانندگان کج سلیقه برای اهل ادب در حکم معمائی شده است که حل آن اگر مشکل نباشد آسان هم نیست از جمله کلمه کلاسه است که اکثر اهل ادب و نویسندگان کتب لغت از اظهار نظر بضرر قاطع در باره تلفظ صحیح آن خودداری کرده و بعضی شارحین گلستان بدون اینکه زحمت تحقیق را بر خود هموار سازند بذوق شخصی تعبیر و تفسیر ناروا برای این کلمه قائل شده اند که ما در ضمن این مقاله پس از ذکر اقوال آنها با مدارک مستند صحیح را از سقیم مجزا و تلفظ درست و معنی صحیح آنرا ذکر خواهیم کرد ولی برای وضوح مطلب و ثبوت صحت گفتار خویش ناچار به برخی از شواهد تاریخی و اقوال صاحبان رحله و کتب لغات معتبره استشهد خواهد شد .

## ۱- کلاسه در شرح گلستان

شیخ اجل سعدی در باب دوم از گلستان فرماید :

حکایت : یکی از صلحای لبنان<sup>۱</sup> که مقامات<sup>۲</sup> او در دیار عرب مذکور بود و

---

۱- در بهار باران - از صلحای کوه لبنان - در چاپ برلین و در کلیات چاپ علمی بسال

۱۳۵۱ - جبل لبنان .

۲- در نسخه اصل که مبنای چاپ مرحوم فروغی است - مقاومات .

کرامات<sup>۱</sup> مشهور بجامع دمشق در آمد و بر کنار<sup>۲</sup> بر که کلاسه طهارت همی ساخت<sup>۳</sup>  
پایش بلغزید و بحوض در افتاد ...

گلستان چاپ بروم بتصحیح مرحوم فروغی تهران سال ۱۳۱۶ ص ۵۹ .  
مرحوم مولوی غیاث الدین صاحب غیاث اللغات مشهور چاپ هند در شرح گلستان خود  
بنام بهار باران گوید :

کلاسه<sup>۴</sup> بکسر اول و سین مهمله مشتق از کلس که بالکسر است . چنانکه در  
کنز اللغات<sup>۵</sup> آمده پس کلاسه آنچه از چونه ساخته باشند چنانکه حباله بمعنی  
دام که از حبل ساخته میشود چون زنگار بخلاف سنگ بر گچ بسیار می نشیند لهذا  
بسبب زنگار پای از آن بلغزد و آنچه بعضی شارحان و اهل لغت کلاسه<sup>۶</sup> بضم کاف نام  
موضع نوشته اند درست نباشد چه متعلقات مسجد را اضافت بمسجد کنند بموضع<sup>۷</sup> دیگر<sup>۸</sup>  
بهار باران شرح گلستان ص ۱۶۵

- ۱- در نسخه اصل مذکور و کرامات و در بهار باران و چاپ استاد قریب و چاپ  
برلین و شوروی و چاپ علمی - و بکرامات .
- ۲- در بهار باران - بر کنار<sup>۲</sup> .
- ۳- در چاپ برلین - طهارت همی کرد .
- ۴- در کتب معتبر لغت و صرف از قبیل شرح شافیه ابن حاجب و شرح نظام و شرح  
سید عبدالله زنگار و تاج العروس و صحاح اللغة و قاموس فی اللغة ومصباح المنیر و لسان العرب  
و کنز الحفاظ فی تهذیب الالفاظ والنوادیر فی اللغة ومعیار اللغة این اشتقاق ضبط نگردیده است .
- ۵- در کنز اللغات لفظ کلاسه بر وزن کنایه نیامده است رجوع کنید کنز اللغات صفحات  
۳۳۹-۲۴۳ ولی حباله مسطور است :
- « حباله دام و هنگام حرکة جنبش و جنبیدن و این اسم مصدر است » کنز اللغة چاپ  
تبریز ص ۹۹ سطر ۱۹ و در چاپی دیگر اضافه کرده است : « وازو فعل ثلاثی مشتق نیست »  
و شاید مرحوم صاحب غیاث بقیاس اشتقاق حباله کلاسه را نیز تجویز کرده است ؛ ۱ .
- ۶- کلاسه ( بضم الکاف ) بالضم ( ف ) نام موضعی است و بالفتح نام جانوری ( از  
فرهنگ ناصری و رشیدی ) آندراج جلد ۵ .
- ۷- ظاهراً نه بموضع دیگر .
- ۸- ابن اجتهاد مرحوم غیاث الدین بکلی بی اساس است زیرا علاوه بر اینکه این  
بقیه در صفحه بعد

سودی افندی در شرح معروف خود بر گلستان گوید :

جامع دمشق [اضافه] لامیه و مراد جامع بنی امیه است که در اصل کلیسا بود و بعد در عهد معاویه<sup>۱</sup> نصف شرقی آنرا صحابه [حضرت رسول ص ۴] از نصارا ایتباع و تبدیل بمسجد کردند<sup>۲</sup> و حال محرابهای آن بر جاست و آن محراب را<sup>۳</sup> محراب صحابه گویند بعد ولید بن عبدالملک<sup>۴</sup> جای کلیسائی بنصارا داده و نصف دیگرش را نیز اخذ و جمله را یک مسجد جامع بزرگ بنا نهاد و چون در موقع بنای مسجد جنب دیوار جامع گچ و آهک میریختند بدین جهت آنجا را کلاسه نامیدند بر وزن صیغه مبالغه و بتقدیر ارض کلاسه زیر اکلس<sup>۵</sup> در لغت بمعنی گچ و آهک است .

بعد نورالدین محمود بن زنگی<sup>۶</sup> بسال ۵۵۵ در [محل] کلاسه مذکور مدرسه ای

اشتهاق در کتب معتبر صرف و لغت نیست اصلاً در بنای این برکه گچ یا آهک مصرف نشده بلکه از مرمر و یا بقول صاحب خریدة العجائب از مرمر معجون ( مرمر مصنوعی ) ساخته شده و در خلال مرمرها قلع و اوزیر بکار رفته است - و يقال ان غالب رخام الجامع كان معجوناً و لهذا اذا وضع على النار ذاب . رگه : خریدة العجائب ص ۲۵ .

۱- نصف شرقی این کلیسا که موسوم به کلیسای مریم عذراء بود و در صدر اسلام و هنگام فتح دمشق بمشهد تبدیل گردیده است نه در عهد معاویه .

۲- در فتح دمشق بدست خالد بن ولید تصرف و ایتباع نشده است .

۳- ظاهراً محراب .

۴- ولید بن عبدالملک بن مروان ششمین خلیفه از بنی امیه که در سال ۸۶ هجرت بخلافت رسیده و در سال ۹۶ هجری وفات یافته است رگه : مروج الذهب جلد ۳ ص ۹۹ و ۱۶۵ و طبقات سلاطین اسلام ص ۸ و ۱۰ .

۵- «کلس» الکلس الصاروج یبنی به قال عدی بن زید : شاده مرمرأ و جليله کلساً و للطیر فی ذراه و کور - صحاح اللغة جوهری و رجوع کنید : قاموس اللغة و اقرب الموارد و معیار اللغة و کنز اللغة ...

۶- ابوالقاسم محمود بن عمادالدین زنگی بن آق سنقر بقول ابن خلکان دویمین سلطان از اتابکان موصل و بقول استمانلی لاین پول اولین پادشاه از اتابکان شام متولد ۵۱۱ و متوفی ۵۶۹ که در ۵۴۹ بر دمشق مستولی گردیده است رگه : و فیات الاعیان ج ۴ ص ۲۷۱ و طبقات سلاطین اسلامی ص ۱۴۵ و حبیب السیر جلد ۲ ص ۵۵۱ الی ص ۵۵۳ و روضة الصفا جلد ۴ ص ۵۹۵ .

بنا نهاد و نام آن مدرسه الان کلاسسه است<sup>۱</sup> بمناسبت اینکه در محل کلاسسه بنا شده است و مختص بائمه شافعیه میباشد ، اما در این زمان از بنای بانی نام و نشانی نیست زیرا در سال ۵۷۰ با يك مناره از جامع شریف که آنرا مأذنة العروس گویند طعمه حریق گردید<sup>۲</sup> پس مدتی بهمان حال باقی بود تا بعد که سلطان صلاح الدین پادشاه شام گردید<sup>۳</sup> بتجدید بنای آن امر کرد اما سنگهای آنرا بقدری کوچک گردانیدند که بجز یک نفر را قد نمیدهد (گنجایش ندارد) و حالا بر که نامبرده در وسط کلاسسه مزبور است برابر در کوچکی از درهای جامع شریف که بلندی آن باندازه يك و نیم ( برابر ) آدم است ، و جامع بنی امیه نامید نشان بعلت این است که اول مرتبه آنان از نصارا اخذ و تبدیل بمسجد نموده اند<sup>۴</sup>.

ترجمه از شرح گلستان سودی افندی چاپ اسلامبول ص ۲۰۴

در گلستانیکه بتصحیح استاد قریب چاپ گردیده است مینویسند :

**کلاسسه** : نام محلی است در شام . ( البته بدون ذکر وزن و تلفظ صحیح )

گلستان چاپ قریب ص ۶۵

در گلستانیکه از روی تصحیح مرحوم فروغی شرکت نسبی اقبال چاپ کرده

۱- چنانکه ذکر خواهد شد این محل از بناهای محمود بن زنگی نیست .

۲- جامع شریف دو بار آتش گرفته اول بقول دکتر گوستا لویون در سال ۴۶۱ و بار دوم بقول سودی افندی در سال ۵۷۰ - رگه . تاریخ اسلام و عرب دکتر گوستا و لویون ترجمه فخر داعی و شرح سودی بر گلستان و نیز رحله ابن جبیر ص ۲۰۶ .

۳- ابوالمظفر یوسف بن ایوب بن شادی ، الملقب الملك الناصر ، صلاح الدین صاحب دیار مصر و بلاد شام و عراق و یمن که بسال ۵۳۳ متولد و در حدود ۵۶۴ بر ملک مصر مسلط گردیده و بعد از وفات محمود بن زنگی بسال ۵۶۹ بر شام نیز دست یافت و در سال ۵۸۹ فوت نموده است . رگه و فیات جلد ۶ ص ۱۳۹ تا ۲۲۴ و حبیب السیر جلد ۲ ص ۵۸۴ - ۵۹۱ .

۴- این قول نیز چنانکه در سطور آتی خواهد آمد ناصواب است .

است در شرح لغات نويسد : کلاسه : محلی در دمشق .

گلستان چاپ اقبال ص ۲۴۱

در کلیات سعدی چاپ کتابخانه علمی تهران که بسال ۱۳۵۱ هجری چاپ شده است در حاشیه نوشته شده است : کلاسه : نام قسمتی از مسجد دمشق است . ( بدون ذکر هیچگونه علامت و راهنمایی برای تلفظ صحیح کلمه ) .

کلیات چاپ کتابخانه علمی ص ۲۴

## ۲- کلاسه در کتب لغت

۱- کلاسه : بفتح کاف بر وزن قباله .

کلاسه (Kalāse) ۱. پ<sup>۱</sup> نام جائی در راه مکه معظمه<sup>۲</sup>

فرهنگ نفیسی<sup>۳</sup> جلد ۴

محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص ببهان<sup>۴</sup> در کتاب لغت معروف خود

۱- ا. پ - نشانه اسم فارسی .

۲- هیچگونه مأخذ و مدرکی ذکر نشده و معلوم نیست در راه مکه میان کدام کشور

مکه معظمه واقع است لذا مدرک قابل اعتماد نیست . ۳- ناظم الاطبا و میرزا علی اکبرخان بن محمد حسن بن علی اکبر بن محمد علی بن محمد کاظم بن ابوالقاسم بن محمد کاظم بن سعید شریف نفیسی طبیب و فیلسوف قرن چهاردهم (حاضر) در سال ۱۲۸۲ جهت تحصیل طب وارد دارالفنون گردیده و در سال ۱۲۸۹ فارغ التحصیل شد معاصر ناصرالدین شاه قاجار متوفی ۱۳۴۳ هجری از نواده های بهان الدین نفیسی بن عوض کرمانی معاصر الخ بیگک بن شاهرخ . رگ . ریحانه الادب جلد ۴ ص ۱۵۸-۱۵۹ .

۴- محمد حسن بن خلف تبریزی ادیب و شاعر متخلص ببهان متولد تبریز و مقیم هند که کتاب لغتی موسوم به بهان بنام سلطان عبدالله قطب شاه والی حیدرآباد در سال ۱۰۸۲ ه. ق تألیف و در ۱۰۸۳ بیابان رسانیده و بهان قاطع نامیده است متولد — و متوفی — .

نویسد: کلاسه - بفتح اول و سین بی نقطه، نام جائی و مقامی است<sup>۱</sup>.

برهان قاطع بتصحیح دکتر محمد معین جلد ۳ ص ۱۶۶۸

۲- کلاسه: بکسرکاف بر وزن کتابه.

کلاسه<sup>۲</sup>: بکسر اول و سین مهمله مأخوذ از کلس که بالكسراست بمعنی چونه و آهک و گچ چنانکه در کنز آمده پس معنی کلاسه آنچه از چونه ساخته باشند چنانکه حباله بمعنی دام که از حبل ساخته میشود شرح گلستان از عبدالغنی و سراج و آنچه شارحان گلستان و بعضی اهل لغت کلاسه بضم اول نام موضع گفته‌اند ظاهراً خطا است چرا که در مسجد تخصیص موضع دیگر گنجایش ندارد فتأمل. غیاث اللغات.

صاحب فرهنگ نظام نیز عین گفتار غیاث اللغات را نقل کرده و فقط کلمه (فتأمل) را حذف کرده است. رگ. فرهنگ نظام جلد ۴.

۳- کلاسه: بضم کاف بر وزن کُناسة بضم کاف و فتح نون و الف و فتح سین و در آخر تاء لاحقه.

کلاسه: بالضم (ف) نام موضعی است و بالفتح نام جانوری (از فرهنگ ناصری و رشیدی) آندراج جلد ۵.

۴- کلاسه: بفتح کاف و تشدید لام بر وزن صیغۀ مبالغه مانند: علامه.

الکلاس: صاحب الکلس و بائعه و سیف کلاس قطاع<sup>۵</sup>.

الکلاسه: الموضع يعمل فيه الکلس<sup>۶</sup>.

۱- از قرار معلوم برای صاحب برهان نیز تلفظ صحیح کلمه مورد تردید بوده زیرا برخلاف روش معمولی خود وزنی بر این لغت ذکر نکرده است.

۲ و ۳- کلس بمعنای گچ و آهک در کلیۀ لغات معتبره مضبوط ولی مشتق آن (کلاسه) برخلاف ادعای صاحب غیاث چنانکه در سطور گذشته اشاره شد مذکور نیست.

۴- این وزن در کنز اللغات آمده ولی کلاسه باین وزن حتی در خود کنز اللغات نیز مضبوط نیست.

۵- کذا فی اقرب الموارد و منتهی الادب.

۶- بمعنی آهک پزخانه؟

از جلد دوم کتاب - محیط المحيط تألیف بطرس البستانی ص ۱۸۳۲ طبع بیروت  
سال ۱۲۸۶ هجری<sup>۱</sup>.

الکلاسه : موضع بدمشق .

از جلد خامس - معجم متن اللغة ص ۹۳ تألیف علامه لغوی شیخ احمد رضا  
عضو مجمع علمی عربی دمشق طبع بیروت ، دارمکتبه الحیاة سال ۱۳۸۰ هجری-۲-۳  
از چهار وزن مذکور برای تلفظ کلمه کلاسه فقط قول بستانی (الکلاسه)  
صحیح و قابل اعتماد است زیرا کلاسه و کلاسه که صاحب برهان و آندراج و فرهنگ  
نقیسی ذکر کرده اند و آنرا کلمه فارسی تصور نموده اند علاوه بر اینکه از مدرک قابل  
اعتمادی یاد نکرده اند اصلاً نظیر این اوزان در لغات فارسی موجود نیست و اما وزن  
کلاسه قول صاحب غیاث اللغات چنانکه در سطور گذشته اشاره شد مجعول و ناصواب  
است حتی اشتقاق حباله نیز در کتب معتبره صرف و لغت نیامده و مورد تردید و  
تأمل است گذشته از این برای دو کلمه نخست ترجمه لغوی ذکر نشده تا معلوم گردد  
که با وجه تسمیه آن محل مناسب است یا نه ترجمه کلمه سوم (کلاسه) نیز صرف نظر از  
اینکه مجعول است با وجه تسمیه محل نامبرده ابدأً مناسبی ندارد زیرا چنانکه ذکر  
شد اصلاً در بنای حوض مزبور آهک بکار نرفته است بلکه از مرمر است و در نتیجه  
قول سودی افندی در وجه تسمیه محل کلاسه قابل قبول و صحیح میباشد .

### اما محل کلاسه :

برای روشن شدن محل اصلی کلاسه و همچنین رفع بعضی اشتباهات ناچار باید  
اول بذکر و توصیف جامع مشهور دمشق پرداخت .

۱ و ۲- این دو یادداشت از افادات دوست فاضل و بزرگوار جناب آقای طباطبائی است.  
۳- هیچگونه علامت و حرکه ندارد و راجع بتلفظ آن هیچ نوع راهنمایی نشده است  
و شاید در نظر مؤلف که اهل زبان و ساکن محل است تلفظ کلمه از وضاحت بوده و نیازی  
بر راهنمایی نداشته است ولی نظر باینکه مؤلف در حال حیات و اهل محل است مدرک قابل  
توجه میباشد .

## جامع دمشق معروف بجامع اموی

جامع دمشق یکی از شاهکارهای هنر و صنعت معماری صدر اسلام است که زیبایی منظر و استحکام بنا و اعجاز صنعت معماری و ذوق هنری و تزیینات آن هر بیننده را مسحور میگرداند.

بقول بطرس بستانی<sup>۱</sup> در دائرة المعارف: عجائب ابنیه جهان چهار بنا است و آن پل طنجه و مناره اسکندریه و کلیسای رها و مسجد دمشق است.<sup>۲</sup>  
این جامع مانند بنای سحر آمیز و دیدنیش سرگذشت عجیب و شنیدنی و تاریخ دور و دراز و پرافتخاری دارد.

موضع این مسجد در زمانهای قدیم بتکده عظیم و باشکوهی بوده که درست معلوم نیست در چه عهد و قرنی بنا شده بوده است<sup>۳</sup> مسعودی<sup>۴</sup> در مروج الذهب از قول عثمان بن مرة الخولانی گوید: چون ولید<sup>۵</sup> بناء مسجد را شروع کرد در بنای دیوار لوحی بدست آمد بخط یونانی که هیچکس نتوانست بخواند بس پیش وهب بن منبه<sup>۶</sup>

۱- معلم بطرس بستانی مسیحی پرتستانی مذهب ادیب و نویسنده شهر قرن نوزده میلادی و سیزده هجری که قرن چهارده را نیز درک کرده مؤلف دائرة المعارف و محیط المحيط در لغت آداب العرب فی عهد الرشید و ادباء العرب و ... متوفی ۱۸۸۳ میلادی.

۲- دایرة المعارف بستانی جلد ۸ ص ۳ و معجم البلدان یا قوت حموی متوفی ۶۲۶ ج ۴ ص ۸۷-۷۶.

۳- رگه . مروج الذهب جلد ۲ ص ۲۶۰.

۴- ابوالحسن علی بن الحسین بن علی المسعودی صاحب مروج الذهب والتنبیه والاشراف و اخبار الزمان و الكتاب الاوسط متوفی ۳۴۶ هجری - از اخبار الزمان فقط يك جزء باقی و الاوسط بکلی از بین رفته است.

۵- ولید بن عبدالملک بن مروان هفتمین خلیفه اموی و دومین خلیفه از بنی مروان که بسال ۸۶ هجری بخلافت رسید و در ۴۳ سالگی بسال ۹۶ ه درگذشت رگه . مروج الذهب جلد ۳ ص ۱۶۵ و ص ۱۶۶ و جلد ۴ ص ۳۹۲ و طبقات سلاطین اسلام ص ۸.

۶- ابو عبدالله وهب بن منبه الیمانی که در ۹۰ سالگی و بین سالهای ۱۱۰-۱۱۶ در یمن درگذشت.



بردند و او خواند و گفت در عهد سلیمان بن داود نوشته شده و مضمون آن اینست « بسم الله الرحمن الرحيم يا ابن آدم ، لو عاينت ما بقى من يسير أجلك ، لزهدت فيما بقى من طول املك ، و قصرت عن رغبتك و حيلك ، وانما تلقى ندمك ، اذا زلّت بك قدمك و أسلمك أهلك [وحشمك] وانصرف عنك الحبيب ، و ودعك القريب ، ثم صرت تدعى فلا تجيب ، فلا أنت الى اهلك عائد ، ولا فى عمك زائد ، فاغنم الحياة قبل الموت ، والقوة قبل الفوت ، و قبل أن يؤخذ منك بالكظم و يحال بينك و بين العمل ؛ و كتب زمن سلیمان بن داود «<sup>۱</sup> و بطرس بستانی در دائرة المعارف خود بنقل از کتاب دمشق گوید : هنگام بنای مسجد در عهد ولید کارگران به بنای محکمى رسیدند و از ولید خواستند که اجازت دهد تا بنای دیوار را بر روی آن قرار دهند ولید گفت تا من از استحکام آن خاطر جمع نباشم باین امر راضی نخواهم بود پس دوباره کردند تا بدری از تخته سنگ بزرگ رسیدند که روی آن بخط یونانی نوشته شده بود « لما كان العالم محدثاً لاتصال امارات الحدوث به و جب ان يكون له محدث كما قال ذوالسنين وذوالالحين فوجدت عبادة خالق المخلوقات حينئذ امر بعمارة هذا الهيكل من صلب ماله محب الخيل على مضى سبعة آلاف و تسمائة عام لاهل الاسطوان فان راى الداخل اليه ذكربانيه بخير فعل والسلام<sup>۲</sup>. این دو روایت نشان میدهد که قدمت بنای جامع دمشق تا چه میزان افسانه آمیز گردیده است و نیز در مروج الذهب آمده است که بنای بتکده را بنام مشتری و طالع سعد نهاده بودند<sup>۳</sup> و بالای مناره آن محل نصب بتها بود و در ایام ازقادیوس قیصر بکلیسا تبدیل شد و بعد در فتح اسلامی قسمت شرقی

۱- مروج الذهب جلد ۳ ص ۱۶۶ .

۲- دائرة المعارف بطرس بستانی جلد ۸ ص ۳ .

۳- مروج الذهب جلد ۲ ص ۲۶۰ و تاریخ تمدن اسلام و عرب گوستا ولویون ترجمه

آن ویران و بجایش مسجدی بنا گردید<sup>۱</sup> و این همان کلیسا است که هنگام فتح دمشق خالد بن ولید<sup>۲</sup> از جانب شرقی آن بضرپ شمشیر وارد شد و ابو عبیده جراح<sup>۳</sup> که بصلح از سمت غرب بدمشق در آمده بود در وسط کلیسا بخالد برخورد . قسمت شرقی که کلیسای مریم عذراء نامیده میشد<sup>۴</sup> بامر خالد ویران و بجای آن، مسجدی بنا گردید<sup>۵</sup> و نیمه غربی آن که کلیسای یوحنا نام داشت تا عهد ولید بن عبدالملک<sup>۶</sup> بهمان حال باقی بود .

ولید که علاقه زیاد بساختمان و آبادانی داشت در سال ۸۷ و بقولی ۸۸ هجری خواست کلیسای یوحنا را از نصارا خریداری و تمام کلیسا را بمسجد بزرگی تبدیل کند. نصارا نپذیرفتند و عهدنامه خالد را بولید نشان داده و گفتند : ما در کتب خود خوانده ایم هر کس این بنا را خراب کند دیوانه میگردد ولید گفت : میخواهم اول کسی باشم که در راه خدا دیوانه شده باشد<sup>۷</sup> پس برخاست و شخصاً بهم کلیسا پرداخت و حاضران به پیروی خلیفه وقت بویران کردن بنا مشغول شدند<sup>۸</sup>،

۱- دایرة المعارف بستانی جلد ۸ ص ۹ و مروج الذهب جلد ۲ ص ۲۶۰ .

۲- خالد بن ولید ملقب بسیفاله که بسال ۲۱ در عهد خلافت عمر در شهر مدینه در گذشت . اسدالغابه جلد ۲ ص ۹۶ .

۳- عامر بن عبدالله بن الجراح بن هلال المشهور بکنیته و نسبه الی جده ( ابو عبیده بن الجراح ) متوفی ۱۸ هجری .

۴- دایرة المعارف بستانی جلد ۸ ص ۹ .

۵- بقول ابن معلی الاسدی دیوار قبله مسجد را حضرت رسول اکرم (ص) بنا نهاده است ولی این قول مورد تأمل است زیرا فتح دمشق بعد از رحلت پیغمبر اکرم (ص) واقع شده است .

۶- ششمین خلیفه بنی امیه متوفی سال ۹۶ .

۷- رکه : رحله ابن جبیر ص ۲۰۲ چاپ مصر - ورحله ابن بطوطه چاپ مصر ص ۵۳ و معجم البلدان یاقوت حموی متوفی ۶۲۶ جلد ۴ ص ( ۷۶-۷۸ )

۸- رحله ابن جبیر ص ۲۰۲ و رحله ابن بطوطه ص ۵۳ .

ولید تمام بنا را از اساس و بکلی منهدم و از نو بنیاد نهاد و در تزئین و تحکیم آن مبالغی کثیر و سرسام آوری خرج کرد بقدری که نظیر آن بنائی در تمام ربع مسکون نبود .

در خریدة العجائب<sup>۱</sup> گوید که ولید چهار صد صندوق طلا که هر صندوق محتوی چهارده هزار دینار بود صرف هزینه بنای جامع دمشق کرد .

در رحله ابن جبیر این مبلغ را صد صندوق و هر صندوق محتوی دویست و بیست و هشت هزار دینار ذکر میکند و بعد میگوید مبلغ کل هزینه یازده میلیون و دویست هزار دینار بوده است<sup>۲</sup> ولی این قول مغشوش است زیرا برابر گفته خودش مبلغ کل هزینه بیست و دو میلیون و هشتصد هزار دینار میباشد نه یازده میلیون و دویست هزار دینار .

بستانی در دائرة المعارف از قول یاقوت حموی گوید : ولید خراج هفت سال کشور را صرف هزینه مسجد نمود و همو گوید که بهای حبوبات مصرفی کارگران شش هزار دینار بود<sup>۳</sup> درباره تعداد کارگران ابن جبیر گوید : چون ولید خواست به بنای مسجد اقدام کند رسولی با نامه ای تهدید آمیز پیش سلطان روم در قسطنطنیه فرستاد و امر کرد که دوازده هزار مرد صنعتگر و هنرمند از شهرهای روم جمع آوری و اعزام

۱- ابن الوردی سراج الدین جغرافی دان مشهور صاحب خریدة العجائب و فريدة الغرائب در جغرافیا و تاریخ طبیعی که گویند از جامع الفنون نجم الدین الحرانی نقل کرده است متوفی ۱۴۵۷ میلادی برابر ۸۹۰ هجری در کتاب خود ص ۲۵ گوید « و بدمشق الجامع المعروف ببني امية الذي لم يكن على وجه الارض مثله بناه الوليد بن عبد الملك وانفق عليه اموالا عظيمة قيل ان جملة ما انفق عليه اربعمائة صندوق من ذهب في كل صندوق اربع عشر ألف دينار» .

۲- وكان مبلغ النفقة فيه حسبما ذكره ابن المعلى الاسدي في جزء وصفه في ذكر بناءه مائة صندوق في كل صندوق ثمانية وعشرون الف دينارو مائة الف دينار فكان مبلغ الجميع احدى عشر ألف الف دينار و مئتا الف دينار . رحله ابن جبیر ص ۲۰۱ .

۳- دائرة المعارف بطرس بستانی جلد ۸ ص ۳ - رحله ابن جبیر ص ۲۰۱ .

دارد تا در بنای مسجد کار کنند سلطان روم فرمان ولید را اطاعت و فوراً دوازده هزار صنعتگر ماهر و هنرمند چیره دست بدمشق روانه نمود و بستانی در دائرة المعارف خود گوید ده هزار مرد فقط بکار مرمر تراشی و صیقل دادن سنگها مشغول بودند.<sup>۱</sup>

دوازده هزار هنرمند نهایت هنر و ذوق خود را در بنای جامع بکار بردند ، دیوار و سقفهای مسجد را با خاتم کاریهای از طلا و مرصع بگوهرهای گرانبها آراستند و در بدنه ستونها و حاشیه محرابها با نهایت و مهارت و ظرافت و با سنگهای قیمتی و طلا باغ و بستانهایی ایجاد کردند که دست تطاول خزان روزگار را در آن تصرفی نبود و چشم تماشاگر آن همه شاهکارهای هنری سیر نمیشد، ابن الوردی در خریدة العجائب گوید : دوازده هزار مرمر صیقلی در بنای آن بکار رفته و شبههای پیسهٔ یمانی بیشمار و نگینهای قیمتی در خاتم کاریهای دیوار و سقف آن بکار رفته است و دو ستون سفید و زیبا بار گه‌های سرخ و نقش‌های سحر آمیز که زیر قبهٔ نسر است ولید آنها را بهزار و پانصد دینار خریده است و در وسط محوطهٔ میان صحن و حرم دو ستونی است که گویند متعلق بود به تخت باقیس ملکهٔ سبا گویند بیشتر مرمرهای آن معجون و یا بعبارت دیگر مصنوعی است و اگر بآتش نهند ذوب شود.<sup>۲</sup>

بستانی از قول موسی بن حماد البربری گوید : در مسجد دمشق آئینه‌ای دیدم که بر روی آن سورة الهکم التکاتر را با طلا نقش کرده بودند و روی قاف کلمه المقابر گوهر سرخ و درشتی نشانده از سبب آن پرسیدم گفتند این گوهر مال دختر ولید بود و چون دخترش مرد مادر دختر<sup>۳</sup> گفت که گوهر را در قبرش قرار دهند ولید گوهر را در اینجا نشانده و پیش زن خود سو گند خورد که گوهر را در مقابر بکار برده است

۱- دائرة المعارف بستانی جلد ۸ ص ۳

۲- خریدة العجائب ص ۲۵ .

۳- ام البنین بنت عبدالعزیز بن مروان بن الحکم زن ولید بن عبدالملک بن مروان.

مروج الذهب جلد ۳ ص ۱۶۸ و ۱۶۹ .

و زین رضی شد<sup>۱</sup> این مسجد دارای چهار دراست بنامهای : باب الجیرون در سمت شرقی و باب البرید در سمت غربی ، باب الزیاده در سمت جنوب بر بالای باب الزیاده قطعه نیزه‌ای نصب کرده‌اند که گویند نیزه<sup>۲</sup> پرچم خالد بن ولید بوده است ، باب الناطقین<sup>۳</sup> در سمت شمال و هر یک از این درها بدهلین باشکوه و بزرگی باز میشود که هر دهلیز دارای چند در و ستونها و حوضهای مرمرین و فواره‌ها و بازارها و دکانهای اصناف مختلفه است و بزرگترین و مهمترین این دهلیزها بیرون باب الجیرون است که بعلت داشتن غرفه<sup>۴</sup> ساعت آبی به باب الساعات نیز معروف است این ساعت آبی ساختمان عجیب و دیدنی دارد که این جیبر آنرا بتفصیل شرح داده و گوید: از سمت راست بیرون باب جیرون در قسمت جلوی دیوار طاق بزرگ و مستدیری است که در داخل آن بتعداد ساعات روز طاقهای کوچک با درهای کوچک تعبیه کرده‌اند و دو بازی از مس روی دو طاس مسین یکی زیر در اول و دیگری زیر در آخر قرار داده‌اند که چون مدت یکساعت از روز بآخر رسد دومهره<sup>۵</sup> مسی از دهان دوباز بر طاسها بیفتد و طاسها بسمت داخل دیوار بسوی غرفه بر گردند و در حال بازها گردنهای خود را بسوی طاسها دراز و مهره‌ها را بسرعت بر بایند و چون صدای برخورد مهره‌ها بر طاسها بلند شود دریکه نشاندهنده<sup>۶</sup> ساعتی معلوم بود بسته میگردد و همینطور درها یکی بعد از دیگری بسته میشود تا اینکه روز بآخر میرسد و در شب وضع آن جالبتر از روز است زیرا در انحاء قوس این طاقها دوازده دایره از مس تعبیه کرده‌اند که پشت آنها آینه است و پشت آینه‌ها چراغی است که آب آنرا میگرداند و چون مقدار مدت یکساعت سپری شود نور چراغ در آینه منعکس گشته و در دایره<sup>۷</sup> جلویش می‌تابد و دایره سرخ رنگ میگردد و این سرخی با گذشتن ساعت از دایره‌ای بدایره‌ای دیگر نقل میگردد تا

۱- دائرة المعارف بطرس بستانی ص ۳ جلد ۸ .

۲- کذا در معجم البلدان و دائرة المعارف بطرس بستانی ولی در رحله ابن بطوطه

باب النطنین مسطور است رك : رحله ابن بطوطه جلد ۱ ص ۵۶ .

شب تمام شده و روز فرا رسد<sup>۱</sup>. گویند این دستگاه مأموری مخصوصی داشته که مواظب نظم و ترتیب آن بوده است .

طول جامع سیمصد ذراع و عرض آن دویست ذراع است و با شصت و هشت ستون زیبا و گرانبها برپاست<sup>۲</sup> در این جامع از شرق بغرب سه شبستان که پهنای هر کدام هیجده گام است و برپنججاه و چهار ستون قرار گرفته هشت پایه گچی این ستونها را از هم جدا می سازد و بلندترین و بزرگترین قسمت این مسجد قبة الرصاص است و زیر آن سه قبه ساخته شده است اول قبهی متصل بدیوار صحن ، دوم قبهی متصل بمحراب و سوم قبهی که زیر قبة الرصاص است و قبة الرصاص را قبة النسر نیز نامند زیرا ساختمان جامع را بعقابی در حال پرواز تشبیه کرده اند که قبة الرصاص بمثابه سراو و قبة متصل بدیوار سینه و نصف طرف راست دیوار بزرگ صحن بال راست و نصف دیگر بال چپ این مرغ است ، قبة النسر از عجائب بناهای عالم است و مسافر از هر طرف وارد دمشق گردد اول قبة النسر را مشاهده میکند مثل اینکه این قبه از آسمان آویزان است عرض صحن مسجد صد ذراع است و این صحن بنهایت درجه زیبا و قشنگ است در این صحن سه قبه موجود است یکی در سمت غربی و بزرگتر که بقبهی عایشه ام المؤمنین مشهور است که هشت ستون رنگارنگ و مرمرین آنرا پهای داشته است و گویند این محل مخزن درآمدهای مسجد بود و عایدات سالیانه جامع در حدود بیست و پنج هزار دینار طلا بوده است ، قبة دوم در قسمت شرقی صحن و بهمان شکل قبة اول ولی قدری کوچکتر و آن نیز بر روی هشت ستون قرار دارد و بقبة زین العابدین علیه السلام معروف است ، قبة سوم کوچکتر و هشت ضلعی است که بر بالای چهار ستون مرمری زیبا قائم و اطراف آن نیز مرمرهای عالی بکار رفته و زیر آن شبکه

۱- رك. رحلة ابن جبیر ص ۲۰۷ و ۲۰۸ .

۲- رك : رحلة ابن جبیر ص ۲۰۳ .

۳- رحلة ابن جبیر ص ۲۰۳ و ۲۰۴ .

آهني قرار دارد كه يك لوله مسين از وسط آن عبور داده اند و آب از اين لوله با فوران بالا ميروود و دوباره مانند شاخه هائي از نقره مذاب فرو مي ريزد و اين دستگاه قفص الماء نام دارد<sup>۱</sup> و در سمت قبله مقصوره ايست كه امام شافعيه<sup>۲</sup> در آنجا نماز ميخواند و روبروي محراب مخزني است كه قرآن ارسالي عثمان<sup>۳</sup> در آنجا مضبوط است و هر روز خزانه باز ميگردد و مردم بلمس قرآن تبرك مي جويند ، در سمت چپ اين مقصوره محراب صحابه واقع است كه پيش از اقدام وليد به بناي مسجد در وسط خط اسلامي واقع بود و چون همه كليسا بمسجد تبديل گرديد محراب صحابه را در جانب شرقي قرار دادند ، و سه مقصوره و محراب ديگر نيز ايجاد كردند<sup>۴</sup> در محراب صحابه امام مالكيان<sup>۵</sup> و در محراب مقصوره اولي امام شافعيان و در محراب طرف راست مقصوره امام حنفي هائي<sup>۶</sup> و در محراب مجاور محراب حنفي ها امام حنبلي ها نماز ميخواند علاوه بر ائمه مذاهب اربعه اهل سنت پيش نمازهاي متعدد ديگر نيز در اين مسجد نماز جماعت بجا ميآورند و بقول ابن بطوطه و ابن جبير جامع شريف سيزده پيش نماز داشت و از صبح تا يك ثلث شب در اين مسجد نماز ادا و قضا برپاي و مراسم تلاوت كلام مجيد

۱- رش : رحله ابن جبير ص ۲۰۵ و رحله ابن بطوطه ج ۱ ص ۵۳-۵۴ .

۲- امام شافعيه موقع ورود ابن بطوطه قاضي القضاة جلال الدين محمد بن عبدالرحمن بن عمر بن احمد ابوالمعالي معروف بخطيب دمشق متولد ۶۶۹ و متوفى ۷۳۹ هجرى بوده است كه در هفتاد سالگي درگذشت . رش : رحله ابن جبير ص ۲۰۶ و رحله ابن بطوطه ج ۱ ص ۵۶ و ريحانة الادب ج ۱ ص ۳۹۹ .

۳- عثمان بن عفان بن ابى العاص بن امية بن عبد شمس بن مناف مكثي بابي عبدالله و قيل أبى عمر ثالث خلفاى راشدين كه روز جمعه ۷ ذى الحجة سال ۲۳ هـ بخلافت نشست و در ذى الحجة سال ۳۵ هـ بقتل رسيد .

۴- رك : رحله ابن جبير ص ۲۰۴ و ابن بطوطه ج ۱ ص ۵۴ .

۵- در زمان ابن بطوطه امام مالكيان ابو عمر بن الوليد بن الحاج النجيبى بوده است

رك : ريحانة الادب ج ۵ ص ۲۹۹ = شماره ۵۹۸ ابن الحاج محمد ۴

۶- فقيه عماد الدين حنفي معروف بابن الرومى .

و تفسیر قرآن کریم و مجالس بحث و ذکر حدیث دایر بوده است و چون پیشنهاد شافعیان از ادای فریضه فارغ میشد بترتیب ائمه مشهد علی (ع) و مشهد حسین (ع) و مشهد کلاسه<sup>۱</sup> و مشهد ابی بکر و مشهد عثمان و امام مالکیان و حنبلیان بنوبت مشغول اقامه نماز میشدند و بعد پنج پیشنهاد دیگر برای قضاء فوائت شروع باقامه فرائض میکنند، در این جامع سه صومعه بنا شده است اولی در سمت شرقی و دومی در جانب غربی و سومی در ناحیه شمالی جامع قرار دارد، صومعه‌های اول و دوم از آثار رومیان و سومی از بناهای مسلمین است.

از متأخرین حاج زین العابدین شیروانی که شش ماه در دمشق اقامت گزیده در بستان‌السیاحه گوید<sup>۲</sup>: جامع اموی که مشهور جهان و معروف ابنای زمانست در وسط شهر واقع شده و چهل ستون یکپارچه از سنگ رخام و بلندی ستونها نه گز کم و پیش و قطرش هیچده و جب در شبستان جامع کار کرده‌اند و پنج مناره دارد و سقف مسجد شیروانی پوش است<sup>۳</sup> و شش هزار قنبدیل در آن مسجد است و تمام شبها می‌سوزد و در شش محل آن درس گفته میشود و در ایام جمعه بعد از فراغت از نماز در هفت موضع آن حلقه ذکر جلی منعقد میگردد طول مسجد پانصد و چهل و هفت

۱- چنانکه ذکر خواهد شد اینجا همان موضعی است که برکه کلاسه در آنجا واقع بود.  
 ۲- حاج زین العابدین بن ملا اسکندر شیروانی از عرفای اواسط قرن سیزدهم هجرت متخلص به تمکین و لقب طریقتی وی مستعلی شاه معاصر محمد شاه قاجار که سال ۱۲۵۳ هجری در راه مکه فوت نموده است. رک. دانشمندان آذربایجان ص ۱۶۹-۱۷۱ و ریحانة الادب جلد ۲ ص ۴۰۶-۴۰۷.

۳- سقف مسجد را ولید با ارزین بپوشانید گویند وقتی در تمام نواحی شام ارزین باقی نماند مگر نزد زنی که برای پوشاندن قسمت باقیمانده کافی بود و آن زن همان وزن ارزین طلا خواست ولید گفت اگر مضاعف وزن آن نیز بخواهد بدهید زن چون با خبر شد از دریافت طلا خودداری کرد و ارزین را فقط بیهای معمولی فروخت و گفت خیال میکردم که بنائی باین عظمت با ظلم برپا شده است ولی حالا فهمیدم با ایمان پاک و برای خدا بنا میشود ولید نیز دستور داد هر جا که ارزین آن زن بکار رفته بود کلمه «لله» نقش کردند.



گام<sup>۱</sup> و عرضش صد و پنجاه گام و مداخل موقوفات یومیة آن سیصد مثقال طلا میباشد و مقدار ضرورت صرف نموده و باقی را مخزون نمایند و قرآنی بخط امیرالمؤمنین علی علیه السلام و قرآنی بخط عثمان در آنجامع است و کتب خانة عظیم دارد ... آنجامع قدیم الایام بتخانه بود و بعد کلیسا شد و ولید بن عبدالملک مروان آنرا مسجد جامع کرده و در تاریخ شام آمده که شش هزار دینار زر سرخ در آن مسجد خرج کرده و در صور اقالیم مذکور است که محصول پنجسال شام در آن صرف شده است ... فقیر گوید که مدت شش ماه در آن شهر توقف نموده و چندان ارباب فضل و کمال و اصحاب وجد و حال و اهل حسن و جمال مشاهده کرده است .

بستان السیاحه ص ۲۸۳

## جامع دمشق

دکتر گوستاو لوبون فرانسوی<sup>۲</sup> در کتاب تمدن اسلام و عرب<sup>۳</sup> ص ۲۰۰ ضمن شرح آثار اسلام در دمشق پس از شرح جامع اقصی در ص ۲۰۶ چنین مینویسد :  
« چون از قصر نامبرده در باب دیگر اینکتاب شرحی ذکر شده لهذا در اینمقام بیان یکی از قدیمترین ابنیه دمشق که عبارت است از جامع دمشق اکتفا میکنیم .  
مسجد مزبور ابتدا بتخانه بود ، سپس نصاری آنرا کلیسا بنا کردند و قسمت

۱- حاج زین العابدین در سیاحت دوم یعنی بسال ۱۲۱۶ و تقریباً ۱۶۵ سال جلوتر دمشق را دیده است .

۲- دکتر گوستاو لوبون طیب و فیلسوف و طبیعی دان قرن حاضر متولد ۱۸۴۱ متوفی ۹ دسامبر ۱۹۳۱ - برابر ۱۷ - آذرماه ۱۳۱۰ هجری شمسی در پاریس . رکه . مقدمه تاریخ اسلام و عرب .

۳- تمدن اسلام و عرب تألیف گوستاو لوبون ترجمه آقای سید محمد تقی فخرداعی گیلانی چاپ علی اکبر علمی - تهران .

بساستانی آن در آغاز سالهای هجری تعمیر و تکمیل شده بود. در سال ۴۶۱ هجری مسجد نامبرده طعمه حریق گردید و دوباره آنرا تعمیر نمودند، این مسجد با وضع حاضر چندان دارای اهمیت نیست حتی از مساجد قاهره هم اهمیت آن کمتر میباشد. نقشه جامع مذکور هم با نقشه سایر مساجد اسلامی مشابه میباشد و آن عبارت از یک صحن بزرگ مستطیلی است محاط بطاقنماها که یک جانب آن بنماز تخصیص داده شده و در چهار ضلع آن مناره واقع است و ما در همین کتاب در بیان آثار مصر ابنیه چندی را ذکر خواهیم نمود که مطابق نقشه مسجد نامبرده بنا شده اند.

مورخین اسلام مینویسد که نصفه پائین دیوارهای این مسجد از سنگهای مرمر گرانبها مستور و در بخش بالا نیز درگنبد آن خاتم کاریهایی بعمل آمده که نهایت درجه نفیس و جالب و جاذب است. سقف آن با قاب مطلا تزئین یافته و ششصد قندیل طلا در آن آویزان است و در مصلاهای آن سنگهای قیمتی بکار رفته.

بخش بیشتر تزئینات و آرایش نامبرده بکلی خراب و در شرف انهدام است دیوارهای آن که پر است از کتیبههای خوشخط و پنجرههایی که در آن شیشههای رنگارنگ بکار برده شده هنوز باقی است و در بعضی جاها از خاتم کاریهای قدیم فی الجمله آثاری موجود میباشد.

مسجد نامبرده دارای سه مناره است. شکل دو مناره آن مکعب و مناره سیم که خیلی قشنگ ساخته شده است هشت ضلعی میباشد و در بخش بالای آن نردهای بنا نموده اند و در آخر مناره گلدسته ای ساخته شده و روی آن بیک هلال قشنگی زینت یافته است، قدیمترین مناره های مذکور مناری میباشد که آنرا منارة العروس مینامند و میگویند که آن در آغاز سال هجری بنا شده است.

مناره چهار ضلعی دیگر معروف است به مناره عیسی زیرا حکایت میکنند که در آخر الزمان حضرت عیسی روی همین مناره نزول خواهد نمود.

تمدن اسلام و عرب گوستاو لوبون ص ۲۰۶- ترجمۀ آقای سید محمد تقی  
فخر داعی گیلانی چاپ علی اکبر علمی .

## محل کلاسه در این جامع

ابوالحسن محمد بن احمد بن محمد بن جبير بن سعيد... متولد (۵۳۹) یا (۵۴۰) در بلنسة و متوفی ۶۱۴ در اسکندریه که اول ساعت روز پنجشنبه هشتم شوال سال ۵۷۸ بسياحت عازم و روز پنجشنبه ۲۴ ربیع الاول سال (۵۸۰) هجری وارد دمشق گردیده است<sup>۱</sup> در رحله معروف خود ضمن ذکر جامع شهر دمشق در باب ( ذکر تذریعه و مساحته و عدد ابوابه و شمسیاته ) چون بذکر قبه های مسجد میرسد گوید : والقبة الثالثة فی الجانب الشرقي قائمة علی ثمانية أعمدة علی هيئة القبة الكبير لكن اصغر منها وفي الجانب الشمالي من الصحن باب كبير یفضی الی مسجد کبیر فی وسطه صحن قد استدار فیہ صهریج من الرخام کبیر یجرى الماء فیہ دائما من صفحة رخام ابيض مثمنة قد قامت وسط الصهریج علی رأس عمود مثقوب یصعد الماء منه الیها و يعرف هذا الموضع بالکلاسه ویصلی فیہ الیوم صاحبنا الفقیه الزاهد المحدث ابو جعفر الفنکی القرطبی ویتزا حم الناس علی الصلاة فیہ خلفه التماسا لبرکته واستماعا لحسن صوته. رحله ابن جبير چاپ اول مصر ص ۲۴۵-۲۰۶ .

ابوعبداله محمد بن عبدالله بن محمد بن ابراهیم معروف بابن بطوطه متولد ۷۰۳ و متوفی ۷۷۹ هـ معاصر ابوعنان سلطان مراکش<sup>۲</sup> که در ۲۲ سالگی و رجب سال

۱- ووصلنا دمشق فی الضحی الاعلی من یوم الخمیس الرابع والعشرون لربیع الاول والخامس لیولیه - رحله ابن جبير ص ۲۰۰

۲- ابوعنان [ آ ع ] فارس بن ابی الحسن یازدهمین از ملوک بنی مرین بمراکش هنگامیکه پدر او ابولحسن در اندلس شکست خورد و آوازه افتاد که وی کشته شده است ابوعنان که در بقیه در صفحه بعد

۷۲۵ از مولد خود طنجه بعزم سیاحت حرکت و درنهم رمضان ۷۲۶ وارد دمشق شده است در رحله معروف خود ضمن ذکر ائمه مسجد جامع دمشق گوید :

## ذکر الائمه بهذا المسجد

و أئمته ثلاثة عشر اماما أولهم الشافعية و كان في عهد دخولي اليها اما مهم قاضي القضاة جلال الدين محمد بن عبدالرحمن القزويني من كبار الفقهاء وهو الخطيب بالمسجد و سكنه بدار الخطابة و يخرج من باب الحديد ازاء المقصورة و هو الباب الذي كان يخرج منه معاوية و قد تولى جلال الدين بعد ذلك قضاء القضاة بالديار المصرية بعد ان ادى عنه الملك الناصر نحو مائة الف درهم كانت ديناً عليه بدمشق و اذا سلم امام الشافعية من صلاته اقام للصلاه امام مشهد علي ثم امام مشهد الحسين ثم امام مشهد الكلاسه ثم .....

رحله ابن بطوطه جلد ۱ ص ۵۶ چاپ المكتبة التجارية الكبرى - مصر. در ترجمه فارسی ص ۸۳ .

ابوالعباس شمس الدين احمد بن محمد بن ابى بكر بن خلکان متولد ۶۰۸ و متوفى ۶۸۱ دروفیات الاعيان ضمن شرح حال صلاح الدين يوسف بن شادى ايوبى در

اينوقت والى الجزيره بود متوجه فاس [ پایتخت مراکش ] گشته و بسال ۷۴۹ بر تخت پدر نشست . سپس ابوالحسن باز گشت و پسراز سهردن تاج و تخت به پدر سر باز زد و میان آندو دو سال محاربات پیوست و درسال (۷۵۲) ابوالحسن وفات یافت و ابو عنان بى منازعى سلطان مراکش گشت و سپس بنى زيان بملك او تاخند و جزاير و تونس را متصرف گشتند و او با آنان جنگ کرد و غالب آمد و املاك منسوبه از ايشان مسترد داشت و درسال (۷۵۹) درگذشت .

لغت نامه دهخدا . ابوسعید اثبات . ص ۶۹۲

و نیز رجوع کنید طبقات سلاطین اسلام استانلی لین پول ابو عنان ص ۵۰ .

۱- رحله موجود ابن بطوطه املاء ابو عبداله محمد بن محمد بن جزى کلبى متوفى ۷۵۷

ه و از علمای حبشه است . رك . ریحانة الادب جلد ۵ ص ۲۷۱

ص ١٣٩-٢١٨ جلد ٦ مینویسد : قال غیر بن شداد : ثم ان السلطان صلاح الدين - رحمه الله تعالى - بقى مدفونا بقلعة دمشق الى أن بنيت له قبة في شمالي الكلاسة اللتي هي شمالي جامع دمشق و لها بابان احدهما الى الكلاسة والاخر في زقاق غير نافذ ، و هو مجاور مدرسة العزيزية قلت : ولقد دخلت هذه القبة من الباب الذي في الكلاسة، و قراعت عنده و ترجمت عليه ... و فيات جلد ٦ ص ٢٠٥ .

استاد دكتر محمد معين در حاشیة برهان قاطع سطور آتی را از معجم البلدان یاقوت حموی و عیون الانباء نقل می‌کند « و بدمشق قبر العبد الصالح محمود بن زنگی ملك الشام<sup>٢</sup> و كذلك قبر صلاح الدين يوسف بن ايوب بالكلاسة<sup>٣</sup> في الجامع - معجم البلدان چاپ مصر ج ٤ ص ٨٠ .

ابن اصيعة<sup>٤</sup> در ترجمه مذهب الدين احمد بن الحاجب گوید : يعتكف في جامع دمشق اربعة أشهر و اكثر و لاجله عملت المقصورة اللتي بالكلاسة - عيون الانباء ج - ص ١٨٢ »<sup>٥</sup> .

برهان قاطع بتصحیح دكتر معين جلد ٣ ص ١٦٦٨ حاشیة ٩

و این موضع برخلاف استنباط مرحوم سودی افندی<sup>٦</sup> غیر از بناهای نورالدین

١- غلط چاپی و بقلعة صحیح است .

٢- نورالدین محمود بن زنگی متولد ٥١١ و متوفی ٥٦٩ که در ٥٤٩ دمشق را متصرف گردیده است .

٣- شاید اشتباه مرحوم سودی افندی از اینجا ناشی گردیده و توجه نفرموده است که قید بالكلاسة راجع بقبر صلاح الدين ایوبی است نه قبر نورالدین محمود .

٤- ابن اصيعة [ ان ١١ ص ب ع ] رشیدالدین علی خلیفة بن یونس بن ابوالقاسم خزرجی ، اديب و حکیم و طبیب و ریاضی و موسیقیدان و صوفی که خرقة تصوف از صدرالدین حویه پوشیده و در ٣٧ سالگی بسال ٦١٦ در گذشته است . رك : لغت نامه دهخدا .

٥- در چاپ جدید بیروت اصدار دارالفکر بسال ١٣٧٧ هـ - ١٩٥٧ م - ج ٢ ص ٢٩٨ .

٦- از ادبای قرن اخیر عثمانی که کافیہ و شافیہ ابن حاجب را بترکی ترجمه و بر کتاب گلستان و بوستان سعدی و دیوان حافظ و مثنوی مولانا جلال الدین رومی شرح محققانه نوشته و در سال یکهزارم هجرت در گذشته است . رك : ریحانة الادب جلد ٢ ص ٢٤٠ .

محمود بن زنگی است و بانی آن بدرستی معلوم نیست ولی چنانکه از قرائن برمیآید از بناهای ولید بوده و در همان موقع تبدیل کلیسای یوحنا بمسجد بزرگ ساخته شده است و شاید اشتباه سودی افندی ناشی از قول صاحب معجم البلدان بوده و تصور کرده اند که هر دو قبر متعلق بصلاح الدین و نورالدین محمود در محل کلاسه است لیکن در سطور آتی واضح میگردد که مقبره نورالدین محمود در مدرسه‌ای بنام مدرسه نوری که از بناهای سلطان نامبرده است قرار گرفته نه در محل کلاسه.

ابن جبیر و ابن بطوطه هر دو از بناهای محمود بن زنگی نام می‌برند و ابن جبیر که بسال (۵۸۰) یعنی فقط یازده سال بعد از وفات نورالدین محمود بن زنگی و تسلط صلاح الدین بر دمشق وارد این شهر گردیده است. اگر بنای این محل اثر یکی از دو سلطان نامبرده بود حتماً ذکر میکرد<sup>۱</sup> چنانکه سایر بناهای نورالدین محمود را نام برده است و در باب (ذکر ابواب و مدارس دمشق) گوید: وهذه المدارس من مفاخر عظیم من مفاخر الاسلام والمدارس كذلك و من أحسن مدارس الدنيا منظرًا مدرسة نورالدین رحمه الله و بها قبره نوره الله وهی قصر من القصور الأنيقة ينصب فيها الماء في شاذروان وسط نهر عظیم ثم يمتد الماء في ساقية مستطيلة الى ان يقع في صهرج كبير وسط الدار فتحار الابصار في حسن ذلك المنظر و كل من يقصره يجدد الدعاء لنورالدین رحمه الله و أما الرباطات ...

رحلة ابن جبیر چاپ اول مصر ص ۲۱۸

ابن بطوطه نیز ضمن ذکر مدارس دمشق گوید: و للحنفية مدارس كثيرة و اكبرها مدرسة السلطان نورالدین و بها يحكم قاضي الحنفية وللمالكية بدمشق ثلاث مدارس احداها الصمصامية و بها سكن قاضي قضاة المالكية و قعوده للاحكام و المدرسة النورية عمرها السلطان نورالدین محمود بن زنگی ...

رحلة ابن بطوطه چاپ مصر جلد اول ص ۵۸

۱- و چون سلطان صلاح الدین ارادت خاص داشته است بعید بنظر میآید که یکی از آثار او را ذکر نکند.

ابن خلکان در سیرت نورالدین محمود نویسد : وكان ملكاً عادلاً ..... كثير الصدقات بنى المدارس بجميع بلاد الشام الكبار مثل دمشق و حلب .... بنى بمدينة الموصل الجامع النورى .. و بیمارستان دمشق و دارالحديث بها ايضاً ...  
وفيات الاعيان جلد ٤ ص ٢٧٢

و در شرحيکه ذیلا از مجله العالم چاپ بيروت نقل ميشود - واضح ميگردد که اولاً بناى فعلى مسجد نيز باشکوه و نماينده عظمت اسلام و نشان نبوع و ذوق هنرمندان چيره دست قرون اوليه اسلامى است و در ثانياً قبر صلاح الدين ايوبى در محل کلاس واقع است نه قبر نورالدین محمود بن زنگى .

در مجله العالم اخيراً شرحى درباره اين جامع با يك گراور از بناى فعلى آن تحت عنوان ، ( السياحة فى الاقليم السورى ) ، چاپ شده است که قسمتى از آن جبهه مزيد اطلاع درج ميگردد ، نویسنده اول مقاله را زیر عنوان ( ملتقى المدنيات العريقة والحضارات الانسانية ) شروع و پس از ذکر مطالبى تحت عنوان جديد ( كيفية الوصول إلى الاقليم السورى ) مینویسد: يصل الزائر والسائح الى سوريا اما عن طريق البر من لبنان او من الاردن او من العراق ، و اما عن طريق البحر من مرفاء اللاذقية و اما عن طريق الجو بالطائرة .... و من العادت ان يبده السائح بالتجول فى المدينة ، و خصوصا فى أسواقها القديمة لاسيما اذا كان السائح اوروبياً او غربياً ، و فى جولته هذه يرى أشياء لا يراها فى مدن أخرى ، من مظاهر شعبية متنوعة ، و صناعات يدوية جميلة ، و مناظر جذابة فى الدكاكين و معارض البيع . .. فانه يصل عند باب البريد الى الجامع الاموى بمأذنة الارباع الشامخة و بصحنه الفسيح ، و بقطع الفسيفساء النادرة ، فيجد فيه الاعمدة الجميلة المصطفة من الشرق الى الغرب و يجد فى الوسط مقام النبى يحيى و للجامع الاموى روعته و جلاله ، ولوانه فقد فى الحرائق المتعددة التى انتابته شيئاً كثيراً من جمال الصنعة و دقة الانشاء ، و ليس فيه الان تلك الساعة

العجیبة اللتی و صفها ابن جبیر فی رحلته .

## معالم دمشق الاخری

و فی جوار الجامع الاموی قبر صلاح الدین الایوبی و قصر العظم . والاخیر مثال بدیع علی صناعة البناء الاسلامیة والصناعة الفنیة الدقیقة ، و فی جواره ایضا عدد من المدارس القدیمة ذات الطراز المعماری الغریب ، والمکتبة الظاهریة والمجمع العلمی ...

مجله العالم شماره ۳ سال دهم صفر ۱۳۸۱ برابر آوریل ۱۹۶۱ ص ۱۱ چاپ بیروت ابن خلکان در وفیات گوید که قبر صلاح الدین در قسمت شمالی کلاسه است پس سمت جنوب این محل همان موضع کلاسه میباشد و ممکن نیست قبر سلطان صلاح الدین تا امروز باقی بماند و مسجد کلاسه که محلی مقدس و جزئی از جامع بزرگ دمشق است از بین رفته باشد جز اینکه از لحاظ غلبه نام دوم (قبر صلاح الدین) بر اسم اصلی (کلاسه) نام این محل بعلت مجاورت بقبر صلاح الدین شهرت یافته و نام اولی امروزه از زبانها افتاده باشد .

از مجموع آنچه ذکر شد چنین برمیآید که :

۱- تلفظ صحیح این کلمه ( کلاسه ) بر وزن صیغه مبالغه اعنی کلاسه بفتح کاف و تشدید لام و فتح لام وسین و تاء لاحقه در آخر بر وزن علامه ومعنی آن محلی که در آنجا آهک بعمل آید و یا بعبارت امروزه آهک پزخانه و بقول سودی افندی چون هنگام بنای جامع شریف در آن محل گچ و آهک میریخته اند لذا پس از آنکه جزء مسجد قرار گرفته و محل ادای فریضه نیز میگردد تا زمانهای بعید بهمان نام مشهور بوده است .

۲- محل آن در جامع دمشق :

چنانکه ذکر شد این محل یکی از مساجد فرعی جامع شریف بوده است که



بسال ۵۹۲ هجری جسد سلطان صلاح‌الدین ایوبی را از قلعه دمشق باین محل نقل و بقول ابن خلکان در قسمت شمالی کلاسه مدفون ساختند<sup>۱</sup> و بعدها زیارتگاه مردمان گردید و امروزه نیز چنانکه در مجله العالم ذکر شده بدان نام (قبر صلاح‌الدین ایوبی) مشهور است و اینکه ابن بطوطه برخلاف ابن جبیر این محل را جزو مشاهد می‌شمارد<sup>۲</sup> و ابن خلکان زیارتگاه بودن آنجا را تصریح نموده و مینویسد که خود نیز شخصاً به زیارت قبر آن سلطان رفته است<sup>۳</sup> مؤید این نظریه است زیرا پیش از وفات صلاح‌الدین آنجا مزاری نبوده و ابن جبیر که در حال حیات سلطان مذکور در فوق دمشق را دیده و جامع شریف و تمام مزارات دمشق صحیح‌تر و دقیق از سایر صاحبان تواریخ و رحله ضبط کرده است بطوریکه اکثر مورخین بقول وی استناد میکنند این محل را فقط بنام مسجد ذکر میکنند نه جزء مشاهد و مزارات دمشق و ظاهراً این تغییر شهرت از لحاظ غلبه نام جدید (قبر صلاح‌الدین) با اسم قدیم و اولی (مسجد کلاسه) بوده است چنانکه نظایر آن در همین شهر ما فراوان است از قبیل تغییر نام «قبرستان گچل» به باغ گلستان و میدان هفت کچل بخیا بان فردوسی و اربک علی‌شاه به باغ ملی و خیابان جلیلی به خیابان شاه‌بختی.....

۳- تعمیر یا بنای این محل از نورالدین محمود بن زنگی و یا صلاح‌الدین ایوبی<sup>۴</sup> ظاهر مردود و ناصواب است زیرا حریق اول بقول دکتر گوستاو لوبون در سال ۴۶۱ واقع گردیده که پنجاه سال پیش از تولد و هشتاد سال قبل از تسلط نورالدین محمود بر دمشق میباشد و بعید بنظر میرسد که این محل هشتاد سال بحالت ویرانی مانده باشد در حالیکه قرائن و ضبط کتب رحله که حاکی است این محل دائماً محل

۱- چنانکه در شواهد منتخبه از معجم البلدان و عیون الانباء و غیره نیز ذکر شد.

۲- و اذا سلم امام الشافعية من صلاته أقام للصلاة امام مشهد علی ثم امام مشهد الحسین

ثم امام مشهد ابی بکر ثم امام مشهد عثمان رضی الله عنهم اجمعین رحله ابن بطوطه ج ۱ ص ۵۶.

۳- رك : وفيات جلد ۶ ص ۲۰۵ .

۴- چنانکه سودی افندی مینویسد .

ادای فریضه و ذکر حدیث و تفسیر قرآن کریم بوده است خلاف آنرا ثابت میکند و اما حریق دوم که بقول سودی افندی بسال ۵۷۰ اتفاق افتاده است مقارن و یا یکسال بعد از وفات سلطان نورالدین بود ، بعلاوه مدار کی را که نگارنده در دسترس داشته و هنگام تحریر این سطور مورد استفاده قرار گرفته و شروحنی از بناهای دو سلطان نامبرده را حاوی بود بنای این محل ( کلاس ) بهیچیک از این دو پادشاه منسوب نگردیده است ، گذشته از این محمد بن جبیر که اکثر مورخین قول اورا معتبر دانسته اند و قریب ده سال پس از وفات نورالدین محمود و در حال حیات سلطان صلاح الدین ایوبی و در ایام تسلط وی بر دمشق وارد آن شهر گردیده است با اینکه دو مرتبه حریق جامع شریف را نیز ذکر میکند و با اینکه بصلاح الدین ایوبی ارادت خاصی نیز داشته است ، اگر تعمیر یا بنای کلاسه از آثار دو سلطان مذکور در فوق بود بدون شك ذکر میکرد چنانکه سایر بناهای آندو را بصراحت ضبط کرده است .

۴- همچنین قول سودی افندی درباره بنای مقصوره صحابه از معاویه و وجه تسمیه این جامع بنام جامع اموی مورد تردید است زیرا اولاً ساختمان اولیه مسجد یعنی تبدیل کلیسای مریم عذراء بجامع بلافاصله پس از تصرف دمشق و در عهد خلیفه ثانی بوده است نه در عهد معاویه و فقط معاویه در ایام خلافت در آن محراب نماز میخوانده و از باب الحدید که مجاور خانه مسکونی وی بود آمد و رفت میکرده است گذشته از این بر فرض هم که این محراب از آثار معاویه بوده باشد چنانکه ذکر شد ولید ساختمان اولی جامع و باقی کلیسا را از اساس منهدم و از نو بنا نهاد و اثری از بنای سابق آن باقی نماند تا بمعاویه نسبت داده شود . اما درباره وجه تسمیه آن بنام ( جامع اموی ) ناید دانست که ابن جبیر از این نام ذکر نکرده و برای اولین بار در رحله ابن بطوطه این نام مسطور است و معلوم میشود که این تسمیه بعد از عهد

۱- فادرکه الحریق مرتین و جدد و ذهب اکثر رخامه فاستحالی رونقه ... رحله

ابن جبیر ص ۲۰۶ .

ابن جبیر معمول و مشهور گردیده است، پس اینکه سودی افندی گوید [پس جامع بنی امیه گفتند بعلت اینکه اول آنان از نصارا اخذ و بنا نهاده اند] و نیز مورد تردید و تأمل است .

**یادآوری :** هنگامیکه آخرین سطور این مقاله زیر چاپ بود نسخه‌ای از چاپ جدید ابن جبیر بدست آمد که از طرف مؤسسه مطبوعاتی : ( دارصادر - داریروت ) انتشار یافته بود و در آنجا لفظ کلاسه را بشکل ( بالکلاسة ) و با ضبط حرکات چاپ کرده است. این ضبط هر گونه شك و تردیدی را درباره تلفظ کلمه از بین میبرد .

**نام کتابهایی که در تحریر این مقاله بدانها مراجعه و استفاده شده است**

- ۱- اتمام الوفا فی سیرة الخلفاء تألیف شیخ محمد خضری بیگ
- ۲- اسد الغابة « ابن الاثیر جزری
- ۳- اقرب الموارد « سعید خوری شرتوتی
- ۴- برهان جامع « محمد کریم خان بن مهدیقلی تبریزی
- ۵- برهان قاطع « محمد حسن بن خلف تبریز
- ۶- بستان السیاحة « حاج زین العابدین شیروانی
- ۷- بهار باران شرح گلستان « محمد غیاث الدین بن جلال الدین
- ۸- جامع التواریخ « خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی
- ۹- خریدة العجائب « سراج الدین ابی حفص عمر بن الوردی
- ۱۰- تاج العروس « سید مرتضی حسینی
- ۱۱- تاج اللغة یا صحاح جوهری « شیخ ابونصر اسمعیل بن عماد الجوهری
- ۱۲- تاریخ تمدن اسلام و عرب از گوستا لوبون
- ۱۳- تاریخ تمدن اسلام جرجی زیدان

- ١٤- تاريخ الخلفاء « تأليف جلال الدين سيوطي
- ١٥- تاريخ حبيب السير « غياث الدين خواندمير
- ١٦- تاريخ ملوك مسلمين « نخله قلفاظ
- ١٧- دايرة المعارف بستاني « بطرس البستاني
- ١٨- رحله ابن بطوطه « ابو عبدالله محمد بن عبدالله معروف بابن بطوطه
- ١٩- رحله ابن جبير « تأليف ابوالحسن محمد بن احمد بن جبير
- ٢٠- روضة الصفا « مير محمد بن سيد برهان مشهور بمير خواند
- ٢١- ريحانة الادب « مرحوم آقاى ميرزا محمد على مدرس تبريزى
- ٢٢- شرح گلستان سودى افندى « سودى افندى
- ٢٣- طبقات سلاطين اسلامى « استانلى لين يول
- ٢٤- عقد الفريد « ابن عبدربه
- ٢٥- عيون الانباء فى طبقات الاطباء « ابن ابى أصيبعة
- ٢٦- غياث اللغات « محمد غياث الدين بن جلال الدين
- ٢٧- قاموس اللغة « مجدالدين محمد فيروز آبادى
- ٢٨- كتاب البلدان جاحظ « جاحظ
- ٢٩- كتاب دمشق
- ٣٠- كشف الظنون « كاتب چلبى
- ٣١- كنز الحقاظ فى تهذيب الالفاظ تأليف ابن سكيت
- ٣٢- كنز اللغات « تأليف ابن معروف
- ٣٣- لسان العرب « جمال الدين محمد بن منظور
- ٣٤- لطائف اللغة « احمد بن مصطفى اللباييدى
- ٣٥- مجلة العالم
- ٣٦- محيط المحيط « بطرس البستاني

- ٣٧- مرآت البلدان تأليف محمد حسن خان صنيع الدولة  
 ٣٨- معجم متن اللغة « شيخ احمد رضا  
 ٣٩- مروج الذهب « ابي الحسن علي بن الحسين بن علي المسعودي  
 ٤٠- المسالك والممالك « ابن خرداد به  
 ٤١- مصباح المنير « احمد بن محمد مقرئ  
 ٤٢- معجم البلدان « ياقوت حموي  
 ٤٣- معيار اللغة « محمد علي شيرازي  
 ٤٤- منتهى الارب « علامه عبدالرحيم بن عبدالكريم صفئ پور  
 ٤٥- نفع الطيب عن غصن الاندلس تأليف ابوالعباس احمد مقرئ  
 ٤٦- النوادر في اللغة تأليف ابوزيد سعيد الانصاري  
 ٤٧- وفيان الاعيان « ابن خلكان